

**دکتر سیدتعمت‌الله عبدالرحیم زاده**

**دورنما**



**چالش بر سر مهاجران در داخل، رویارویی تجاری با امریکا در خارج**

# اروپا آماده‌بدترین سناریوها

برنامه نشست سران اتحادیه اروپا در روزهای ۲۸ و ۲۹ ژوئن در حالی انجام شد که این اتحادیه از هر دو جهت داخلی و خارجی با پیچیده‌ترین و سخت‌ترین شرایط طی دو دهه از عمر خود روبرو شده است. این اتحادیه به لحاظ خارجی آماده سنگین‌ترین رویارویی تجاری با امریکا می‌شود که دیگر در زبان رسانه‌ای از این رویارویی به عنوان جنگ تجاری یاد می‌گردد.
بسه لحاظ داخلی، مسئله پناهجویان و نحوه برخورد با این مسئله از حد بحث و جدل در میان برخی احزاب سیاسی فراتر رفته و بعد از اقدامات پناهنجوستیزانه ایتالیا، این مسئله باعث شده است اعضای این اتحادیه در مقابل یکدیگر قرار بگیرند. در حالی که مشکل خارجی، اتحادیه را به جنگ تجاری تبدیل کرده، مشکل داخلی سیاستمداران اروپایی نسبت به بقای اتحادیه جدی‌تر از گذشته شده و حتی برخی از حالاتانتظار نتیجه ازمون جدی برای بقای این اتحادیه را می‌کشند.

**بدترین سناریو**

اگر بقای اتحادیه اروپا تنها به قبال تا از این توسط احزاب و سیاستمداران راستگرو افراطی یا در سطح رسانه‌هایی با گرایش‌های مشابه مطرح می‌شند، حالا این موضوع آقدر جدی شده که دونالد تاسک، رئیس شورای اروپا مشکل را با ارسال نامه‌ای به سران اتحادیه اروپا گوشزد می‌کند.او این نامه را در آستانه نشست سران اتحادیه اروپا در روز پنج‌شنبه و جمعه ۲۸ و ۲۹ ژوئن فرستاده و به آن‌ها تذکر داده خود را آماده «بدترین سناریوها» (worst-case scenario) کند. هر چند او عبارت بدترین سناریو را در یک پاراگراف مانده با پایان نامه خود و به نوعی بعد از موضوع جنگ تجاری با امریکا به کار برده، اما می‌توان گفت منظور وی تنها این موضوع نیست بلکه بدترین سناریوها از نظر او در هر دو عرصه داخلی و خارجی اتحادیه

مطرح هستند و در این نامه می‌خواهد اعضای اتحادیه خود را آماده مقابله با این سناریوها در هر دو عرصه کنند.او در عرصه داخلی و به خصوص مقوله پناهجویان اشاره به بحران سه سال قبل و تلاش‌ها برای کاهش میزان مهاجرت غیرقانونی به اروپا کرده است که به نظر ایشان آن تلاش‌ها موفق بوده، چراکه در این مدت سه سال باعث کاهش ۹۶ درصدی از میزان ورود مهاجران غیرقانونی به اتحادیه شده است.باوجود این تاسک در نامه خود معترف شده است که آن تلاش‌ها کافی نبوده و اتحادیه نتوانسته است کنترل کامل بر مرزهایش داشته باشد و از ناتوانی از کنترل کامل مرزها صدهایی را در داخل تقویت کرده که از این ناتوانی به عنوان ویژگی ذاتی اتحادیه اروپا می‌گنویند.به حرکتهای سیاسی جدیدی مجال عرض اندام داده‌اند که به قول تاسک «پاسخ‌هایی ساده به برآید بهترین مشکلات می‌دهند.»تاسک جنگ تجاری با امریکا را در قالب سناریویی به همین اندازه خطرناک می‌بیند، چرا که به نظر او مشکل فراتر از اختلافات تجاری بین دو سوی آتلانتیک است و باعث شده است بنیان اتحاد برعبر در معرض خطر قرار گیرد.تاسک در این نامه تنها سرخط کلی راهکارهای مقابله با مشکلات را مطرح کرده است و به نظر می‌رسد او هم مثل دیگران منتظر نشست سران اتحادیه است تا ببیند آنها در مقابل سناریوهای ممکن چه می‌کنند.

**اختلاف داخلی**

تاسک در حالی بحران مهاجران را در این نامه به سران اتحادیه اروپا گوشزد کرده که آنها بر سر این بحران مقابیل یکدیگر قرار گرفته‌اند و اختلاف عمیق بین آنها قبل از این نامه آشکار شده بود. این تقابل و اختلاف در نشست فوق‌العاده سران اتحادیه اروپا روز یکشنبه ۲۴ ژوئن آشکار شد. این نشست که به عنوان نشست مشتمعی برای دو روز پنج‌شنبه و جمعه بود به دعوت آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان بود اما چهار کشور لهیستان، چک، اسلواکی و مجارستان حاضر نشدند به دعوت او پاسخ مثبت دهند و نماینده‌های خود را به آن نشست نفرستاد. فراد در کنترل آن نشست در مورد سنساز و کارهای امنیتی برای تقویت آژانس هماهنگی

# جهان

سراسر بین‌الملل ۸۸۴۹۸۴۴

حفاظت از مرزهای بیرونی اتحادیه اروپا (Frontex) است، بنابراین او به جای سرر و کله زدن با برخی سران اتحادیه اروپا بیشتر به فکر همکاری با دو سه کشوری است که حاضر به پیگیری یک روند واحد اروپایی در مقوله چگونگی بررسی پرونده‌های مهاجران، پذیرش یا استرداد آنها هستند تا از این طریق مبنای مشترک عملی برای حل این مشکل ایجاد کنند.

**جنگ تجاری**

بر خلاف مقوله مهاجران، اتحادیه سه اروپا به صورت جمعی درگیر مشکل دوم، یعنی جنگ تجاری با امریکا است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا جنگ تجاری را قبل از اتحادیه اروپا با چین شروع کرده بود. او اواخر ماه مارس دستور تهیه فهرستی از مجموعه کالا‌های چینی را به نمایندنده تجاری خود رابرت لایت‌هایز داد که مشمول تعرفه‌های گمرکی تازه می‌شوند. این دستور ترامپ وضع تعرفه گمرکی ۲۵ درصدی بر حدود هزار و ۳۰۰ کالای چینی به ارزش ۵۰ میلیارد دلار را به دنبال داشت اما چینی‌ها در مقابل ساکت ننشسته و کمیسیون تعرفه از شورای دولتی چین فهرستی از صدها کالای امریکایی شمول ۲۵ درصد تعرفه گمرکی جدید را اعلام کرد. هر چند به نظر می‌رسد توافق دو کشور در ماه می جنگ تجاری دو کشور را خاتمه داده اما تصمیم ترامپ روز دوشنبه برای افزایش ۱۰ درصدی تعرفه بر کالاهای وارداتی چین به ارزش ۲۰۰ میلیارد دلار، دوباره شعله این جنگ را روشن کرد. همین وضعیت کمابیش میان امریکا و اتحادیه اروپا به وجود آمده است و مذاکرات بین دو طرف بر سر افزایش تعرفه‌های ۲۵ و ۱۰ درصدی امریکا بر واردات فولاد و آلومینیوم به جایی نرسید تا اینکه اتحادیه اروپا با سرانجام مجبور شد از روز جمعه ۲۲ ژوئن جنگ تجاری خود با امریکا را شروع کند. سیسیلیا مالمستروم، کمیسر بازرگانی اتحادیه اروپا از قبل گفته بود اروپا مقابل تصمیم یکجانبه و غیرمنصفانه امریکا چاره‌ای جز مقابله به مثل ندارد و اگر امریکا تعرفه‌های گمرکی خود را لغو کند، اتحادیه اروپا هم این کار را خواهد کرد. این حرف مالمستروم می‌توانست آخرین تلاش اتحادیه اروپا برای رسیدن به یک آشتی قبل از جنگ تجاری با امریکا باشد اما چون پاسخی از سوی واشنگتن شنیده نشد، اتحادیه اروپا هم جنگ تجاری خود را به صورت رسمی شروع کرد هر چند ترمپ به نتیجه نرسیده است.

امدن ندارد بلکه قصد تشدید این جنگ را هم دارد. ترمپ در مقابل شروع جنگ تجاری از سوی اتحادیه اروپا کارت تعرفه ۲۰ درصدی را بر سر واردات خودرو از اروپا ر کرده است و اروپا پدانی هم در مقابل از افزایش تعرفه ۱۰ درصدی بر خودروهای وارداتی از امریکا می‌گوید. این میزان از تقابل شدید است که نگرانی رئیس شورای اروپا را بابت فروپاشی وحدت دو سوی آتلانتیک برانگیخته، نکته‌ای که او در نامه‌اش بر آن تأکید کرده است. همانگونه که تاسک در این نامه بیان می‌کند، موضوع تنها تجاری نیست بلکه اصل یکپارچگی غرب در معرض سقوط قرار گرفته است. حالا اروپا در مقابل یکجانبه‌گرایی ترامپ هم مجبور به جنگ تجاری با امریکا شده و هم مجبور به چین به دنبال راهبرد مشترک در مقابل واشنگتن باشد. جرگی کاتاین، معاون رئیس کمیسیون اروپا به شبکه امریکایی س‌ن ای بی سی از کار مشترک بر کوسل و طرف برای عملی کردن مذاکراتی گفت است که بین دو طرف در ۲۰۱۳ انجام شده بود و هر دو طرف ظرف چند هفته آینده سرمایه‌گذاری متقابل در بازارها را شروع خواهند کرد. مراده تجاری به میزان روزانه یک میلیارد یورو این اطمینان را به اتحادیه اروپا می‌دهد که می‌تواند با همکاری چین در مقابل جنگ تجاری امریکا با ایستد. این طرحی است که به نظر سلوییا مارو، گزارشگر سی‌ان بی‌سی، اروپایی‌ها با نزدیک شدن به چین و برای نجات تجارت بین‌الملل از دست دولت ترامپ انجام می‌دهند اما روشن است همین طرح به نگرانی امثال تاسک در مورد بدترین سناریو برای غرب دامن زده که باعث می‌شود اروپایی‌ها دیگر نتوانند آن نوع رابطه‌ای را با امریکا داشته باشند که از جنگ جهانی دوم به این سو داشته‌اند.

با تغییر زیربنای نظام انتقال قدرت به تصاحب قدرت دست یزند و خود را به یک قدمی کرسی پادشاهی برساند. اما بعد از اینکه طرح موسم به معامله قرن افشاشد این احتمال قوت گرفت که گویا طرح جامع منطقه‌ای وجود دارد که راستگرایان حاکم بر اسرائیل و ترامپ با مشارکت برخی کشورهای منطقه مانند امارات و عربستان به نوعی به تقسیم منطقه دست زده‌اند. در این چار چوب به نظر می‌رسد امارات و عربستان به عنوان دو نیروی اصلی اشغالگر در یمن نیز به تقسیم میان خود دست زده‌اند، به گونه‌ای که جنوب یمن در آن منطقه اشغال امارات و شمال یمن در سلطه و اشغال عربستان باشد. تقریباً روند تحولات جنگ چهار ساله یمن به خصوص نقش فرینی‌های امارات در جنوب یمن با به دست گرفتن رهبری عملیات اشغال جدید و وارد کردن فرانسه در این منطقه، هر چند غرب آسیا در این جنگ قدرت است، از وجود چنین تقسیم‌بندی‌هایی میان عربستان و امارات حکایت دارد. نکته قابل توجه دیگری که در این زمینه جلب توجه می‌کند این است که برخلاف آنچه تصور و گفته می‌شود، معامله قرن تنها به مسئله فلسطین و بده و بستان‌های مربوط به آن محدود نمی‌شود بلکه کل منطقه در معرض خطرات ناشی از این طرح قرار دارد و از این دید یمن نیز قربانی این طرح و بده و بستان‌های میان بازیگران آشوب ساز آن شده است.

در مجموع می‌توان گفت جنگ منمن و فجاج ناشی از آن بر خلاف آنچه به دروغ در رسانه‌های غربی و عربی به تصویر کشیده شده است حاصل عملکرد اصرار له و حمایت ایران از آن نبوده است بلکه این جنگ از سوی نیروی اشغالگر سعودی و اماراتی بر مردم یمن و انصارالله شعله‌ور شد و توانست این همه نیز خود را بر مردم این کشور تحمیل نکرده بلکه مردم یمن در پشت این نیروها برای مقابله با نیروهای متجاوز و حفظ یکپارچگی سرزمینی یمن جمع شده‌اند و الا اگر این جنبش از مشروعیت و مشروعیت بر خوردار نبود نمی‌توانست این همه بین مردم جا باز کند و مردم حتی کارمندان به رغم نگرفتن چندین ماه حقوق خود همچنان به تق و ففق امور ادامه دهند و به استمرار دولت نوپای خود کمک کنند. با وجود اینکه مردم یمن و انصارالله در این جنگ خائمسوز تحمیلی قربانی شده‌اند اما با حفظ همبستگی، جلوه‌هایی از مقاومت در هر چهار جبهه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تصور کشیده‌اند که در طول تاریخ منطقه کم و بعضی‌ای سابقه بوده است.

## اجرای معامله قرن از کریدور اردن

در یک دهه اخیر اردن به دلیل موقعیت استراتژیک و مرزهای مشترک با سرزمینی که زمانی تحت سیطره فلسطین قرار داشت، نقش مهمی در معادلات سیاسی منطقه پیدا کرده است.

شکست‌های نظامی و سیاسی عربستان و متحدانش در عراق، سوریه، لبنان و یمن باعث شد تا اردن تبدیل به آخرین سنگری شود که ریاض تلاش کند از طریق این کشور اهداف خود و امریکا را در خاور میانه محقق سازد.

عربستان همراه با رژیم صهیونیستی تلاش دارد با ابزارهای تشویقی و تهدیدی نظر امان را در پیروی از سیاست‌های خود جلب کند. پایان دادن به مخالفت‌های اردن در خصوص انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی از تل آویو به قدس شریف و کسب همراهی این کشور برای مقابله با حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه از مهم‌ترین برنامه‌های پیش‌رو عربستان و اسرائیل است. برای این منظور به دنبال بروز ناآرامی‌های مدنی در اردن که واکنشی به افزایش بهای سوخت، برق و مالیات بر درآمد در این کشور بود، عربستان با برگزاری نسنستی در مکه در صدد برآمد به این بحران خاتمه بخشد. ماحصل این گردهمایی اعطای کمک ۲/۵ میلیارد دلاری به ملک عبدالله برای حل مشکل اقتصادی اردن بود.

محمد بن سلمان به عنوان رکن اصلی تصمیم‌گیری عربستان به هیچ عنوان مایل نیست مهم‌ترین پایگاه امن این کشور در منطقه دچار بی‌ثباتی سیاسی شود، زیرا در حال حاضر خاورمیانه در یکی از حساس‌ترین برهه‌های سیاسی خود قرار دارد و رئیس‌جمهور امریکا مصمم است طرح صلح خود برای مناقشه اسرائیل-فلسطین، موسوم به معامله قرن را عملیاتی سازد. این در شرایطی است که پس از گذشت بیش از هفت سال از آغاز درگیری‌ها در سوریه، اوضاع به سود دولت اسد و محور مقاومت تغییر کرده است و از سویی امیدی نیست مداخله پرهزینه ریاض در یمن نیز پس از سه سال، به نتیجه مورد نظر سعودی‌ها برسد، لذا حفظ خاندان هاشمی در رأس قدرت اردن در بازه زمانی کنونی از اهمیت خاصی برخوردار است.

خاندان هاشمی در برقراری ارتباط با اسرائیل و تلاش برای مشروعیت بخشی به این رژیم اقدامات بسیاری انجام داده‌اند به همین جهت حفاظت از یک مهره همسو با رژیم صهیونیستی، عربستان و امریکا در اولویت سیاست‌های منطقه‌ای آنها قرار دارد.

به همین جهت به رغم تغییر سیاست دولت ترامپ در خصوص اعطای کمک مالی به کشورهای عرب خاورمیانه وزارت خارجه ایالات متحده یک وام ۶ میلیارد دلاری را به اردن تخصیص داده است تا با حمایت مالی از رهبران آنها امان را به تداوم مواضعشان در مخالفت با حضور ایران در مناطق جنوبی سوریه و حمایت از رژیم صهیونیستی تشویق کند.

در همین راستا ملک عبدالله هم پس از دریافت وام ۲/۵ میلیارد دلاری از عربستان نشان داد



مایل است وفاداری خود را به دوستانش اجرایی کند. بر همین اساس تنها چند روز پس از اعلام عذرخواهی رسمی رژیم صهیونیستی از ارتاب بدت قبل دو شهروند این کشور توسط یک گارد امنیتی سفارت اسرائیل در سال ۲۰۱۷ و قطع روابط سیاسی، امان میزبان سفر پنهانی بنیامین نتانیاهو شد. سفری که طبق اعلام رسانه‌های اسرائیلی محمد بن سلمان نیز در آن حضور داشت.

اگر چه اطلاعات زیادی از این ملاقات منتشر نشد اما با توجه به ورود هیئت امریکایی به اردن تنها یک روز پس از بازگشت نتانیاهو می‌توان به روشنی گفت هدف از نشست سه جانبه ملک عبدالله، بن سلمان و نتانیاهو تسهیل در اجرای طرح معامله قرن و همچنین مقابله با رویکرد ارتش سوریه به برخورد با گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک این کشور با اردن و اسرائیل بود.

طبق طرح پیشنهادی دونالد ترامپ، قدس شریف به طور کامل در اختیار رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرد و شهر یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری اربودیس پایتخت فلسطین می‌شود. بر اساس طرح مذکور اوراگان فلسطینی هرگز اجازه بازگشت به خانه‌های خود در قدس را نخواهند داشت و در مقابل اسرائیل از سه ای پنج روستای عربی و محله‌های شرق و شمال بیت‌المقدس عقب‌نشینی می‌کند.

اما نکته مهمی برای اردن در طرح مذکور این است که طبق مفاد معامله قرن دیگر اطمینانی در تولیت این کشور بر امامن مقدس مسلمانان در بیت‌المقدس وجود ندارد. موضوعی که می‌تواند پایه‌های مشروعیت خاندان هاشمی در امان را به لرزه درآورد، زیرا نزدیک به نیمی از ساکنان اردن را مردم فلسطینی الاصلی تشکیل می‌دهند که امیدوارند دوباره به سرزمین خود بازگردند و لذا نه تنها هرگونه تغییر در حاکمیت سیاسی بر بیت‌المقدس به نفع رژیم صهیونیستی آنها را برخواهد آشفست بلکه در دست دران تولیت قدس از سوی خاندانی که همواره با اسرائیلی‌ها سر سازش داشته‌اند می‌تواند دکنه انفجار خشم آنها را بشمارد.

در این شرایط بی‌دلیل نیست که ملک عبدالله پس از ابزار تمایل نتانیاهو برای از سرگیری روابط سیاسی خواهان ملاقات با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی شد چون گمان می‌رود در این دیدار مقامات امان و تل آویو با میانجیگری بن سلمان درباره آینده تولیت اردن گفت‌وگو کرده‌اند. براین اساس احتمال می‌رود نتانیاهو به دلیل پیوند ساختار سیاسی کنونی اردن با منافع اسرائیل و درک نگرانی خاندان هاشمی از واکنش داخلی این کشور، تداوم اجرای مفاد عهدنامه اسلو در مورد مدیریت اماکن مقدس شهر بیت‌المقدس را تقصیر کرده است اما این سؤال مطرح می‌شود که نتانیاهو با کسب چه امتیازاتی حاضر شده است نگرانی ملک عبدالله را برای استمرار تولیت اردن در قدس شریف مرتفع کند؟ پاسخ این سؤال به تحولات داخلی سوریه برمی‌گردد.

در یک سال گذشته و به ویژه پس از ورود رسمی روسیه به بحران سوریه، معادلات میدانی در این کشور به نفع جبهه مقاومت تغییر کرده است. گروه‌های تروریستی در تمامی نقاط این کشور در حال عقب‌نشینی و اضمحلال هستند که این امر به معنای افزایش گستره نفوذ ارتش سوریه و نیروهای مقاومت است. در این میان کشورهای سوریه به دلیل هم مردم یونان و اردن و سرزمین‌های اشغالی، از اهمیت خاصی برای تل آویو برخوردار است. این در حالی است که در چند ماه اخیر ارتش دولت اسد موفق شده است آسیب‌های زیادی به توان گروه‌های تروریستی این منطقه وارد سازد که به مذاق اسرائیل و متحدانش خوش نیامده است.

براین اساس تل آویو تلاش دارد با همکاری امان، از طریق تقویت گروه‌های تروریستی و معاند دولت سوریه در این منطقه، جلوی نفوذ محور مقاومت گرفته شود، زیرا به زعم مقامات صهیونیستی، نیروهای مقاومت برآندند با ورود به مناطق جنوبی سوریه پایگاهی برای تهدید این رژیم ایجاد کنند.

مقابله با قدرت‌گیری ارتش سوریه و نیروهای مقاومت در نزدیکی مرز اردن، در قالب تقابل ایران و عربستان مطلوب ریاض نیز است. در این میان ولیعهد سعودی‌ها برای ایجاد فضای همکاری اردن و اسرائیل در تحقق این امر و مقابله با محور مقاومت و ایران در این حوزه جغرافیایی، تلاش دارد اختلافات امان و تل آویو به حداقل برسد. کمرنگ کردن مخالفت ملک عبدالله با تغییر پایتخت رژیم صهیونیستی در رأس این مسائل قرار دارد، لذا محتمل است بن سلمان بارانه این وعده که پس از اجرای طرح معامله قرن، کماکان اردن تولیت مکان‌های مقدس قدس را در دست خواهد داشت، رضایت ملک عبدالله برای انتقال پایتخت اسرائیل به قدس را گرفته باشد، زیرا طبق طرح صلح پیشنهادی ترامپ، عربستان و امارات متحده عربی گزیننه‌های جایگزین اردن برای تولیت اماکن مقدس در این شهر هستند. در این میان به نظر می‌رسد این وعده مورد حمایت نتانیاهو مهم‌ترین متحد سیاسی- نظامی ایالات متحده نیز باشد. استمرار تولیت اردن در بیت‌المقدس به معنای حفظ مشروعیت مذهبی- سیاسی خاندان هاشمی و جلوگیری از بروز اعتراض‌های مردم این کشور خواهد بود، بنابراین چنین وعده‌ای چیزی فراتر از تعهد به استمرار اجرای یک موافقتنامه بین‌المللی نیست بلکه می‌تواند منافع عربستان و رژیم صهیونیستی در مقابله با محور مقاومت و انتقال پایتخت به قدس را تسهیل کند.

**پرونده**

**احمد کاظم زاده**

خانمانسوز انتلاف عربستان و امارات علیه یمن ببینداد هیچ تردیدی برایش باقی نمی‌ماند که در این جنگ فاجعه‌ای بس عظیم نه‌برای مردم فقیر این کشور بلکه اساساً برای کل جامعه بشری روی داده است. انتلاف متجاوز حداقل استانداردهای یک جنگ شرافتمندانه را رعایت نکرده و از همان ابتدا کوشیده است این کشور را به عمد به تله‌ای از خاک و ویرانه تبدیل کند. در نتیجه این حملات کور هزاران نفر از مردم یمن کشته و زخمی و بیش از ۲ میلیون نفر از آنها آواره و میلیون‌ها نفر دیگر نیز که تا ۲۰ میلیون نفر هم تخمین زده می‌شود هر یک به جراتی نیازمند دریافت کمک‌های غذایی و بهداشتی فوری هستند. هر چند غرب آسیا در قرن حاضر جنگ‌های زیادی را در مناطق مختلف تجربه کرده است اما هیچ‌کدام به لحاظ گستره فجاج انسانی به پای این جنگ نمی‌رسد و در هیچ یک از آن تا این اندازه اصول و معیارهای اخلاقی و انسانی و حتی قواعد جنگ زیر پا گذاشته نشده است. همچنین در هیچ یک

از این جنگ‌ها مجامع جهانی و به اصطلاح بشر دوستانه تا این اندازه متغفل عمل نکرده‌اند. این محافل در بسیاری از موارد به جای اینکه جنبه طرف‌قربانی را بگیرند طرف مهاجم و اشغالگر را گرفته‌اند و به جای اینکه از حملات هوایی بی‌وقفه عربستان و امارات سخن بگویند و اقدامات لازم را برای توقف این حملات انجام دهند در مقابل سه حملات تلافی‌جویانه و تدافعی نیروهای مدافع یمنی متمرکز شده‌اند حال آنکه این نیروها بارها اعلام کرده‌اند در صورت توقف حملات هوایی نیروهای متجاوز حملات موشکی خود را نیز متوقف خواهند کرد. در جنگ یمن از همان ابتدا و حتی در جریان رخدادهای متأثر از خیزش‌های مردمی در شمال آفریقا و بحرف میانه موسوم به یاهر عربی روند تحولات به صورت تحریف آمیز به تصویر کشیده و مانع از این شد که افکار عمومی بین‌المللی و جامعه جهانی حداقل درک درست از صحنه تحولات داشته باشند. در مقطع پیش از آغاز جنگ مردم یمن نیز همانند سایر ملت‌هایی که در معرض این خیزش‌ها قرار گرفته بودند این حق را به خود می‌دادند علیه نظام علی عبدالله صالح که به مدت سه دهه بر این کشور حکمرانی می‌کرد قیام کنند و نظام مورد نظر خود را بر پا یازند. مردم یمن به این امید وارد